

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سرور رنا
مونشن المان
۲۱.۰۷.۰۹

کشور بی سروبی در و دروازه

یکی گوید کرزی خوب است ، دیگری گوید احمد زی . یکی احدى را باصفت وسخندان خواند ، دیگری جلالی رامردمیدان نامد، این برای خلیل زاد دف نواز د، و آن به دهل کمونیستان اتن اندازد بعضی برقرآن خوران آفرین عده ای برقرآن سوزان نفرین گویند اما یکی ازین مدعیان وطن دوست ، روی منافع شان یاحق بینی وچشمان بازبر اوضاع نابه سامان این وطن بیچاره و، بی سروبی در و دروازه نمینگرد و از بیان حقایق سر می تکاند در حالیکه همه میدانند که:

اولاً – بیشتر این مدعیان ریاست جمهوری هما نهایی هستند که روز گرفتن تابعیت و پاسپورت از ایالات متحده امریکا یا المان، و فرانسه، یا انگلیس ویا جاپان ویا دیگر جا ها در حضور پولیس و محاکم آنکشورها به خدا انجیل و پرچم آنها سوگند یاد کرده و تعهد سپرده اند که جز در راه منافع ملی آنکشور و مردم آنها کوچکترین قدمی بر نمی دارند از این قسم خوران چگونه میتوان امید حقیقت گویی و خدمت به مفاد افغانستان داشت ؟

ثانیاً – اگر وطنداران ما درین چرت و خیال اند که ایالات متحده امریکا، بر تانیه پاکشورهای اروپا ، میرویس خان، احمد شاه بابا ، امیر عبدالرحمن خان یا غازی امان الله، یا امین الله خان لوگری، غازی محمد ایوب خان ، میرواعظ کابلی یا محمد جانخان راحیات بخشیده و زمام دار میسازند یا از جمله مبارزین وطن دوست و خدمتگاران صدیق موجود وطن که الحمد لله در هر گوشه و کنار کشور مازید اند یکی را در کرسی ریاست جمهوری می نشانند باید همه بدانند در خواب و خیال یا غرق در نشه و خمارند اگر دیده خوب بکشایند می بینند که سوی ترکستان روانند . . .

ثالثاً - همه میدانیم انگلیس، و امریکا این آتشی را که دود آن آسمان را تیره و تار و فغان مردم مظلوم و بیگناهش ملایک آسمان را متعجب و حیران ساخته است از سال ۲۰۰۱ میلادی به دامن باشندگان کشور افغانستان به منظور تسلط بر معادن و موقعیت ستراتیژیکی زمین آن بر افروخته اند که با استفاده از قدرت خویش غفلت ، بیچارگی و جهالت بعضی مردمان ما و تولید نفاق آتش را دامن میزنند تا حاکمیت کامل بر آن را حاصل دارند به اینکه چند وجه کسانی کشته و یا آبادیها ویران میگردد علاقه ندارند .

با اندک توجه به سوابق تجاوزات و مداخلات و خرابکاری های این انگلیس خونخوار و شاگرد تازه کارش ایالات متحده امریکا درین مدت تخمیناً یکصد و پنجاه سال اخیر در امریکای جنوبی و ممالک عربی، ایران عراق سومالی سایر ممالک نفت خیز جهان که به منظور به دست آوری نفت و گاز مفت و ارزان انجام داده اند مطالعه شود انسانهای متحس با عاطفه و با وجدان را بسی متعجب و حیران میسازد ، مخصوصاً مطالعه سیاست استعماری چهل سال اخیر این دوقدرتمند ظالم را که در همین کشور های کوچک متذکره اجراء کرده اند هیچ انسانی باور نمیتواند فقط آنهایی این گونه ادعاها را تأیید و تصدیق میکنند که کتاب (سیاست پردازی و نیرنگ) اثر دوکتور جان کولمن را که از یک گوشه اینگونه جنایات چال و فریب و توطئه های اخیر همین دوکشور پرده برداشته مطالعه فرموده باشند

خواننده محترم و دانشمند ! کور هم میدانند که شوربا شورا است . طوری که قبلاً عرض کردم همه میدانیم که این اشغالگران طالب و عاشق آرامی من و تو یا آبادی این خاکدان به نام افغانستان نه بلکه زمینه استفاذه از منابع طبیعی آنرا برای خودفرزندان تا انجام آن مهیا میسازند . دیده باشی یگروز با شندگان صحرا ی عرب را به نام قهرمانان مبارز جهت سرکوبی مخالفین و دشمنان خود درین کشور جبراجامید دهد روز دیگر آنها را دشمن و تروریست خوانده توسط من و تو یا کشته و یا بیرون میراند و آنقدر غافل و بیچاره و خوش باوریم که نتیجه این کار خود را در مقابل چند دالری که دشمن در دست ما میگذارد نمیدانیم همینکه بعداً دیده میکشاییم هزاران هموطن را کشته آبادی ها را ویران و وطن را خاکدان می بینیم چنین است پلان و سیاست استعماری قدرتمندان .

رابعاً – با اندک تعمق اگر به این روزگارتیره و تار و اوضاع اسفبار وطن بنگریم می بینیم کارگران ما همه گداوبیکار ؛ به جای شان کارگران ایران و پاکستان مصروف کار اند رئیس دولت و وزراء و سفراء و بیشتر فورم و نشانداران ما قسم خورده ای کشور های استعماری و برگشته دیگر جهانند . پرچم ملی وطن ما سرنگون ، سی و سه پرچم بیگانگان در سرزمین آزادگان در اهتزاز اند از یکسو گندم و حبوبات ، میوه و سبزیجات از خارج وارد شده دهاقین بیکار ، زمینهای زراعتی خشک ، ابهای خروشان با اشک چشم دهقانان بیکار در کشور همسایگان روان اند از سوی دیگر تاجر و ثروتمندان ما در پی غارت و خارج ساختن ثروت و پنداران اند ، علاوه بر اینها بعضی مامورین دولتی با اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه در پیش درب سفارتخانه های خارجی و رؤسای شان به داخل آنها اتن می اندازند .

با این اوضاع و حالات درین فکر نباشیم که این بی سوادان و قلاچاقبران ، قومندانان ، و غارتگران یا این و طنفروشان یا تفنگ سالاران به نام مجاهدین مسلمان و یا مخصوصاً این اجیران و عوامل بیگانه (از خارج برگشتگان که هر کدام شان دو پاسپورت دارند) جهت خدمت به وطن آمده اند من معتقدم یکی اینها درد وطن و مردم ما را مداوا نمیتوانند ، زیر اکسانیکه در راه منافع و آرامی شخصی ، وطن را در میان شعله های آتش سوزان گذاشته به کشور دیگران پناه ببرد آنگاه ملیت و پاسپورت مادر وطن را زیر پا و برای خدمت گزاری وطن جدید حلف وفاداری یاد و تعهد بسپارد که جز در راه منافع آنجا و مردم آن کوچکترین قدمی نمی بردارد چگونه میتوان توقع خدمت به مادر وطن داشت ؟ و یا تصور کرد که اینها وطن و ستان واقعی بوده ، جهت خدمت به وطن و وطنداران و تسلیت قلوب ستم کشیدگان و مرحم بر جراحات مجروحان و دست کشیدن بر سروروی یتیمان و ترحم بر معلولین و کمک بر مهاجرین سرگردان مقیم دشت و بیابان تشریف آورده اند چنین نیست ، هر زمانیکه سروصدای کاریار تبه و مقام یا تعیینات وزیر سفیر و سایر کارکنان دستگاه و والیان یا انتخاب رییس دولت و نمایندگان مشرانو جرگه و یا پارلمان و یا تجدید نظر اشغالگران در مورد رییس دولت و دیگر رشوه خوران افغانستان بالا میشود سروکله این خدمتگذاران و وطن دوستان مسلمان و این فرزندان از پدر و مادر افغان و زاده کشور افغانستان در شهر کابل نمایان شده در هر ناحیه و گذر مخصوصاً منازل دوستان شان محل سرور و خوشی اجراء ، مبادله دختر و پسران میله و عروس و سیاه پریا میگردد و از قصور و محل اقامت این مهمانان صدای رقص و قرص و الهی مبارکباد با دودهای آتش و رابحه خوش غذاهای فراوان فضا را معطر میسازد اما در همسایگی شان زنان و مردانیکه از سی سال تا امروز میسوزند و میسازند و نان خشک رابه سختی به دست میاورند با اطفال شان به این صحنه ها که چون پرده سینما از نظرمی گذرد با تعجب مینگرند .

بعضی ازین برادران ادعا دارند جان نگهداشتن فرض و پناه بردن در کشور دیگران در اسلام مجاز و روا است بلی ما هم معتقدیم که این دستور و هدایت پیامبر بر حق خدا ست اما مادر وطن را زیر پا کردن و کشور دیگر را مادر وطن خواندن خطاء و آرزوی نفسانی خود ما است باید این را همه پد یزیم وطن مادر آن فرزندی است که تا دم مرگ در کنارش مانده به غم و شادی آن شریک و بار و زگارش بسوزد و بسازد و سینه را سپریلای آن سازد نه اینکه بعد از جنگ تحمیلی دشمنان و اشغالگران و به خاک و خون غلتیدن هزاران جوان ، همینکه در نتیجه جهاد به حق مبارزین قهرمان ((نه استفاده جویان خونخوار)) اوضاع دگرگون و آرامی نسبی به میان آمد آنگاه همین قسم خوران جهت اخذ رتبه و مقام ، خرید زمین و باغ و بوستان و تعمیر ساختمان ، ذخیره ثروت و ارسال آن به محل اقامت نورچشمان از چهار حد و شش جهت این جهان به سان مور و ملخ باقیافه ای و پنداران مهربان ، یکی باشکم بزرگ لنگان لنگان ، دیگری تسبیح به دست دوان دوان سومی با هدایات ارباب اما لبان پر خنده ، آرام آرام در وطن و اردو در پی احراز کرسیهای که می خواهند دلنگان شده بعضی شاید مدتی بماند اما یک عده با همان ذخیره حاصله فراوان و زمزمه

(وطن آنجا ست کز اری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد)

جانب محل اسکان نور دیدگان شوند روان .
بر میگردیم به اصل مطلب .

بعضی دهقانان پیردهات دوردست ما میگفتند کمر بند دور کمر زمین قدری کش و کوتاه گردیده و روز مثل برق زود میگذرد حالا من هم تاجاییکه با عقل ناقص خود تول و ترازو کرده و میبینم که راست گفته اند، اینک هفت سال زود گذشت و باز هم زمرمه انتخابات رییس جمهور و نمایندگان ولایتی بالا شده آواز دهل کاندیدان، داد و گرفت با حکام و قریه داران، کاروبار مطابع و دودین دودین کارگران هیاهوی روزنامه نگاران و انتقاد منقدین و سخنوران فضای وطن را می لرزاند، مبارک است چشم بد دور میگویند تا احمق در جهان است مفلس در نمی ماند. خانه پدر سفیر امریکا در کابل آباد که گفته انتخابات آزاد و گیرنده آراء زیاد برنده میدان است، لهذا خواب و خیال ریاست جمهوری و وکالت از جیب خونخواران و کسانیکه ماحصل خون شهدای راستین و به حق راه نجات افغانستان را در یکس و بانکها ذخیره کرده بودند به امید این موفقیت بر آورده و باشاخی باد میکنند که یکمده بیکاران را به کار انداخته و بازار کار را رنگین و خوشگوار ساخته است

همه میدانند که انتخابات است رییس جمهور و نمایندگان جدید اگر خوش نام یا بد نام، کوتاه قد یا بلند، اندام با دریشی یا چین و پیراهن و تتیان، از برادران پشتون تاجیک از یک هزاره، از پنجشیر یا جوزجان از کابل یا بدخشان، انتخابی امریکا یا انگلستان هر چه و هر کسی با شد مهم نیست اما حتما باید کور، کر و کمی نادان باشد والا انتخاب کاندیدان نباشد آسان. شاید شنیده باشید جناب سفیر کیرو قومندان عمومی نظامی ایالات متحد امریکا با کاندیدان ریاست جمهوری و بعضی از نمایندگان ولایتی که محل اعتماد و قابل دیدن بودند ملاقات و تحقیق کردند که شرایط انتخاب شدن را دارند یا نه؟ کسانى را که دارای شرایط خود یافتند برایشان مبارکباد گفتند. آنهاى را که اندک بینا، شنوا و کمی دانا دیدند گفته اند نظر خود را بعدا به اطلاع میرسانند. اما کسانى را که بینا، شنوا، دانا و هم کمی وطن دوست و آزادی خواه یافتند به آنها گفته شده سنگ به جای خود سنگین است بهتر است خاموش و بی سرو صدا بنشینید و الا در گوانتا ناموک هنوز باز است مسکن گزینند. خلاصه شخص انتصابی اگر کرزی بوده یا جلالی، خلیلزاد یا شد یا احدی، عبد الله عبد الله یا خانم لالا، احمد زی باشد یا بی بی توریکی هر کسی که باشد از میان همین مجنونان قدرت و دیوانگان ثروت قبلا انتخاب و در میان صندوقهای آراء جاداده و بر روی ان دستمال سیاه انداخته اند در روز انتخابات یکی از سفرای انگلیس یا ایالات متحده امریکا در حضور تمام تماشا بینان رای دهندگان و روزنامه نگاران دستمال را از روی صندوقهای انتخابات برداشته به مردم میگوید نه سراسر است و نه جادو حکمت پیر استاد است از صندوق نام اشخاص انتصابی خود را بیرون آورده و میگوید اینست رییس جمهور، و اینهم نمایندگان ولایتی انتخابی که به صورت قانونی بدون سوخت و ساخت با اکثریت قاطع زنان و مردان با اشتراک نوزادان انتخاب گردیدند و دفتر حقوق بشر و سایر نمایندگان و رؤسای جمهور کشور هایتی سولانا رییس اتحادیه اروپا امانا و صدقنا گویان به مردم افغانستان مبارکباد میگویند. اگر خدا نخواسته تصادفی از میان صندوقهای آراء اسم کدام شخص بینا و شنوا و دانا مانند جناب بشردوست و ملالی جویا شود هویدا آنرا ساختگی، غیر قانونی و حاصل دست بیگانه خوانده باطل اعلام میدارند جهت تایید نظر خود به ده نفر هرگز هر یکی بیست دالر میدهند که در چند گوشه شهر خلاف این انتخابات الله اکبر بگویند در اندک مدت هزاران نفر با این ده نفر شریک شده به چور چپاول و غارت اموال مردم و دوکانها میپردازند و همه دنیا فهمیده و نفهمیده ابطال انتخابات را اعلام میدارند حقوق بشر هم به اشاره ارباب زنگهای مخالفت را به صدا میاورد اینست مشکل مردم بیچاره آزادیخواه ما و سایر کشور های کوچک دنیا.

شاید متعجب شوید اگر بگویم من که قلم به دست گرفته و شرح این جریانات و اجرای ریاست جمهوری و انتخابات وطن بیچاره را مینویسم زیر قطرات عرق شرم که از سرور ویم میریزد در برابر ارواح شهداء و چهره های معلولین بینوا و مجاهدین واقعی که در خانه های فقیرانه و یا خراب به سر برده نان خوردن ندارند، و مهاجرین برگشته حیران و سرگردان که شبها و روزها را در دشتها و بیابان یا پشت خانه این و آن میگزرانند مخصوصاً استماع داستانهای محابس گوانتا نامو و ابو غریب و بگرام یا سایر محابس تحت نظر امریکا که وطنداران ما در آنجاها به صورت شرم اور و دور از کرامت انسانی گذشتانده و یا میگذرانند در عالم خیال احساس خجالت و شرمساری میکنم و بر سبکسری، صدای خنده و گفتار موهن و رویه تحقیر آمیز زور گویان، سربازان و اتباع خارجی که خودسر می آیند و میروند و به پولیس، قانون و محاکم و حکومت افغانستان اهمیت نمیگذارند، وعده های دروغین و ادعاهای میان خالی و اجراءات خود سرو استفاده های ننگین مقامات عالیله دولت و اطاعت کورکورانه رییس دولت و وزرای وطنم از اشغالگران نفرین گفته به خدا پناه میبرم . والسلام

یادداشت:

متصدیان پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" ضمن ابراز احترام عمیق خدمت نویسنده چیره دست و با سابقه کشور آقای "رنا"، با شناختیکه از ایشان دارند، به خویش این اجازه را می دهند تا بنویسند که الزاماً نمی توانند در تمام موارد با ایشان هم نظر باشند. مگر با آنهم به خاطر اهمیت مقاله و مطالب مندرجه در آن و احترام به آزادی ابراز عقیده، مقاله ایشان را به نشر رسانیدیم.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA